عطف کتاب

رومن گاری و قلابی

■ «قلابی» مجموعه داستانی رومن گاری از سری کتاب‌های مجموعه «جهان نو»ی نشر چشمه منتشر شد. «قلابی» پنج تا داستان دارد: داستان «قلابی» که درباره یه کلکسیونر تابلوهای نقاشی است که تعصب خاصی روی اصل بودن یا نبودن آثار هنری دارد. این تعصب شدید و عجیب چنان توی زندگی‌اش تاثیر دارد که حتی دماغ عمل شده یکی از زن‌های داستان، زندگی او را از روند عادی‌اش خارج می‌کند.

«زمینی‌ها» فضای سرد بعد از جنگ و روابط سردتر آدم‌های پس از جنگ را روایت می‌کند. «قدرت و شرافت» از قدرت و شرافت سربازهای جنگ جهانی دوم می‌گوید و آن را به سخره می‌گیرد و از جنگ شکایت می‌کند. «برگی از تاریخ» داستان درخشانی است که ترس دیکتاتور صربستان را از روزنامه‌نگارهایی که اعدام کرده و بسیاری شان در زندان و در انتظار مرگ هستند به تصویر می‌کشد. او حتی نگران روح روزنامه‌نگارهایی است که تا به حال کشته است. نوروزی مترجم کتاب، درباره مجموعه داستان قلابی گفت: رومن گاری فقط

قلابی
رومن گاری
ترجمه: سمیه نوروزی
نشر: چشمه
چاپ اول: ۱۳۸۹
قیمت: ۲۳۰۰ تومان

یک مجموعه داستان دارد. نام این کتاب «پرندگان می‌روند در پرو بمیرند» است و ابوالحسن نجفی آن را ترجمه کرده است. البته او پنج داستان گاری را در این کتاب نگنجاند. این پنج داستان را انتشارات گالیمار تحت عنوان «برگی از تاریخ» در آورده است. از این پنج داستان، «قلابی» و «عود» ادای دین این نویسنده به هنر است. عود به تمامی درباره موسیقی و «قلابی» درباره نقاشی است. کلکسیونری پولدار که آثار باارزش نقاشی را جمع‌آوری می‌کند. گاری در این داستان وصف‌های عجیبی درباره نقاشان و آثارشان دارد.

روایت شکاف ذهنی

■ «دو کام حبس» نوشته مریم منصوری اولین مجموعه داستان او است که به تازگی از سوی نشر چشمه منتشر شده است. قهرمان بیشتر داستان‌های منصوری زن است. نسبت و مساله‌اش با زندگی روزمره و اجتماع. بیشتر این داستان‌ها روایت شکاف ذهنی زن نسبت به پدیده‌های اطرافش است. این مجموعه داستان؛ شش داستان دارد. نویسنده در هر یک از داستان‌های این کتاب سعی داشته تا شیوه و زبانی خاص را با زاویه روایت‌های متنوع تجربه کند.

«یادت هست؟ کله سحر، توی تاریکی، آرام از

دو کام حبس
مریم منصوری
نشر چشمه
چاپ اول: ۱۳۸۹
قیمت ۲۴۰۰ تومان

دهنه چاه پایین می‌کشیدی تا کفترچاهی‌ها را توی خواب بگیری و بیندازی توی کیسه. گردن‌شان را می‌پیچاندی و تِق. پرهاشان را می‌کندی و جگر ریز و گرم اولین کفتر را خام خام می‌خوردی. می‌گفتی ترد است. آفتاب زده بود که با کیسه‌های پر، زیر پل راه‌آهن می‌ایستادیم و قطار از بالای سرمان می‌گذشت. درست ۷:۳۰ دقیقه و تو قهقهه می‌زدی و هوه! حال می‌کردی که نعره می‌زنی و خودت هم صدایت را نمی‌شنوی که زیر چرخ‌های قطار، روی ریل گم می‌شد. یادت هست؟» بخشی از داستان «کفترچاهی». «یک داستان کافکایی بنویس»، «می‌خواهم عاشقت شوم!»، «تشنه»، «من یه اسبم»، «کفترچاهی»، «پیچیدگی» و «تاریکی» نام داستان‌های این کتابند.

خبر

ابوتراب خسروی: انتقاد از سرنوشت مبهم کتاب‌ها

■ ابوتراب خسروی داستان‌نویس صاحب سبکی که شاید بیشتر او را با «اسفار کاتبان»ش می‌شناسند، از سرنوشت مبهم کتاب‌هایش در اداره کتاب انتقاد کرد و به ایلنا گفت که در چنین شرایطی ارسال آثار جدیدش را به ارشاد، بی‌فایده می‌داند. «ملکان عذاب» رمان تازه ابوتراب از سوی نشر ثالث یک سالی است که به ارشاد فرستاده شده اما جوابی دریافت نکرده است. خسروی می‌گوید که مدت‌هاست فعالیت‌های ادبی خود را به اتاق کارش محدود کرده و خانه‌نشین شده است. او گفت توقف نشر کتاب‌هایم در اداره کتاب، مدت‌هاست که موجبات دلزدگی من است. در شرایطی این‌چنینی ارایه اثر جدید و تقاضای اخذ مجوز، برایم بی‌فایده می‌نماید بنابراین نوشته‌های جدیدم را به اداره کتاب نمی‌فرستم. جز «ملکان عذاب» سرنوشت سه کتاب دیگر این نویسنده نیز در ارشاد، مبهم و معطل مانده است. خسروی همچنین نگارش یک مجموعه داستان را نیز به تازگی تمام کرده است اما می‌گوید باتوجه به بلاتکلیف ماندن کتاب‌های پیشینم در اداره کتاب در تحویل آن به ناشر خودداری می‌کنم زیرا در این صورت سرنوشت آن نیز قابل تصور نخواهد بود.

درباره «ترجمه روشنگر قرآن کریم» کریم زمانی

ترجمه ساده، شرح موجز

هاشم بناءپور

دست‌نویس قرآن، قرن نهم هجری

ترجمه کریم زمانی، ترجمه‌ای است متفاوت. ترجمه، زبانی روان و سلیس دارد و این روانی زبان بر خواننده تاثیر می‌گذارد. شرح بسیار موجز، پرمحتوا و در عین حال روشنگر او گویای این نکته است. در مواردی مفسر ابیات مثنوی معنوی را چاشنی سخن خود قرار می‌دهد و در این‌جا هم می‌توان تاثر ملای روم از قرآن را فهمید و هم تاثر مفسر از مولانا. مگر نه این است که قرآن‌پژوهان و مثنوی‌شناسان، مثنوی را قرآن منظوم خوانده‌اند. از اینها گذشته، شارح قرآن زیر بیرق هیچ شارح و مفسری نرفته و نخواسته با مغلق‌گویی، فضل‌نمایی کند. سادگی، روانی و ایجاز در این ترجمه و تفسیر خود نشانه‌ای است از شناخت کافی مفسر و مترجم آن. مترجم صرفا به ذکر منابعی پرداخته که در این کار سترگ از آنها استفاده کرده و به اصطلاح هندبوکش بوده است، نااستفاده‌ها را نیاورده، تا خودنمایی یا کارش را با توسل به منابع و مآخذ مختلف آکادمیک جلوه دهد. دیگر ویژگی مهم این ترجمه در رعایت موسیقای کلام است. بنابراین ایشان با رعایت آهنگ کلام توانسته‌اند برگردانی آهنگین ارایه دهند.

در این جستار حتی‌المقدور می‌خواهم به شرح مشخصه‌های پیشگفته بپردازم: روانی و سلامت ترجمه از این‌جا ناشی می‌شود که مترجم با تسلطی که به ادبیات کلاسیک و معاصر دارد، فضای زمانی و منطقی واژه‌ها را رعایت می‌کند. بنابراین در معنی اصطلاحات و کلام قرآن توضیحاتی ارایه می‌دهد که خواننده خود به سهولت می‌تواند موضوع را بفهمد یا با آن ارتباط برقرار کند، چرا که به قول رولان بارت، متن خوب متنی است که خود را نشان دهد و ترجمه استاد زمانی از این نوع متن‌هاست. برای مثال از بسم‌الله الرحمن الرحیم شروع می‌کنیم که چنین ترجمه شده است: به نام خداوند مهرگستر مهربان.

در ترجمه‌های معاصر و کلاسیک با چنین ترجمه‌هایی روبه‌رو هستیم.

به نام خداوند بخشایشگر مهربان /به نام بخشاینده مهربان /به نام بخشنده مهربان.

یا:

در تفسیر قرآن مجید (نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج) ترجمه آیه ۵۴ سوره انبیاء «قال لقد کنتم و اَباوکم فی ضلالٍ مبین» چنین آمده است: گفت: ابراهیم به خدای که هستید شما و پدران شما در گم بودگی پیدا.

این به واقع ترجمه‌ای است کلاسیک که اسلوب نگارش آن با آثار منثوری که در قرن چهارم و پنجم و ششم هجری در خراسان تالیف شده، تقریبا یکسان است و نیز وجود لغات و ترکیبات مشترک آن را می‌توان در ترجمه آثاری چون تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، هدایه المتعلمین فی‌الطب دید. در این‌جا برای اینکه از بحث اصلی دور نیفتیم به چند ترجمه متأخر نظری می‌افکنیم، برگردان آیه پیشگفته را می‌آوریم و آن گاه و در نهایت ترجمه کریم زمانی را نقل می‌کنیم.

آیتی: هر آینه شما و پدران‌تان در گمراهی آشکاری بوده‌اید.

خرمشاهی: گفت هم شما و هم پدران‌تان در گمراهی آشکار بوده‌اید.

زمانی: [ابراهیم] گفت قطعا شما و پدران‌تان در گمراهی آشکار هستید!

به اعتقاد من، ترجمه استاد زمانی ترجمه‌ای است آمیخته با نثر کلاسیک و معاصر. البته منظور از معاصر این نیست که ایشان عمدا و عامدا خواسته باشند، قوانین کلیشه‌ای کتاب غلط ننویسیم را پیاده کنند. بلکه درک فضای منطقی و نحوی کلام است چه در نثر و نظم کلاسیک و چه معاصر.

ترجمه روشنگر قرآن کریم
ترجمه و شرح: کریم زمانی
انتشارات: نشر نامک
چاپ اول: ۱۳۸۹
قیمت: ۵۰ هزار تومان

یا:

ان الذین امنوا و عملوا الصالحات (آیه ۸ سوره لقمان)

تفسیر قرآن مجید (کمبریج): آنان که بگرویدند و کارهای شایسته کردند از گزاردن فریض‌ها.

آیتی: نصیب آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، باغ‌های پرنعمت بهشت است.

خرمشاهی: بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، بوستان‌های پرناز و نعمت برای آنان است.

زمانی: البته کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند بوستان‌های پرنعمت بهشت از آن ایشان است که جاودانه در آنند.

فارسل فرعون فی الحد ابنِ جاشرین.... (شعرا: ۵۳)

تفسیر قرآن مجید (کمبریج). پس بفرستاد فرعون گردکنندگان را که گرد می‌کردند سپاه را تا پس موسی روند صلوات الله علیه، چون گرد آمدند، گفت مرا ایشان را

آیتی: و فرعون گرد آورندگان سپاه را به شهرها فرستاد...

خرمشاهی: آنگاه فرعون گردآورندگان را به شهرها فرستاد...

زمانی: پس فرعون مأموران گردآوری را [برای جمع آوردن نیرو] به شهرها فرستاد [و برای آنکه به دار و دسته خود روحیه بدهد، گفت: اینان [یعنی موسی و یارانش] گروهی اندکند و...

ناگفته نماند که هر ترجمه‌ای ویژگی خود را دارد – البته نه همه ترجمه‌ها – بنابراین ترجمه قرآن و کلا کتاب‌های مقدس کاری است سخت و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند حرف آخر را در برگردان آنها زده است، مسلما برداشت‌های و قرائت‌ها در هر دورانی فرق می‌کند، به ویژه اینکه زبان رشد و تغییری سریع دارد و وابسته است به تحولات اجتماعی، علمی، فلسفی، هنری و... پرمسلم است جهانی که کلاسیک‌ها داشتند با جهان امروزین ما بسیار متفاوت است. زبان در آن دوره رشدی این‌چنینی نداشت، هر لحظه در همه عوالم فکری و... نظریات جدیدی مطرح می‌شود و بر همین اساس زبان گستره‌ای وسیع دارد و روزبه‌روز به گستره آن افزوده می‌شود. واژه‌ها و اصطلاحات معانی دیگری پیدا می‌کنند و بر بعد معنایی آنها افزوده می‌شود. یافته‌ها و نظریات زبان‌شناسی، به درک این مفهوم کمک می‌کند که زبان چیست و چگونه کار می‌کند. بنابراین در ادامه ترجمه هیچ‌گاه بی‌نیاز از تئوری‌های ترجمه و زبان‌شناختی نیستیم.

از این مساله که بگذریم می‌رسیم به شیوه توضیح و تفسیر آیات. استاد کریم زمانی در باب «کافر» چنین نوشته‌اند:

مثلا در توضیح واژه «کافر» آمده است که کافر بر دو نوع است. کافر قاصر و کافر مقصر. کافر قاصر کسی است که از روی جهل و قصور ادراک، حق را می‌پوشاند. نه از روی علم و عمد. چنین کافری امکان دارد که چون نسیم روح‌بخش هدایت الهی بر او وزیدن گیرد به ایمان گراید. اما کافر مقصر کسی است که دانسته و از روی علم و عمد حقیقت را می‌پوشاند... (ص ۵)

با استناد به دلایل شارح می‌توان نتیجه گرفت در قرآن صرفا انکار خدا به معنای کفر نیست، چرا که شیطان منکر خدا نبود، اما کافر بود. پس چرا شیطان که به خدا اعتقاد دارد، کافر قلمداد می‌شود، مگر نه این است که او حقیقت را می‌داند، اما انکار می‌کند. در دلش بخل است و حسد و کبر، ... و به وخیم‌ترین بیماری اخلاقی و روانی دچار است. نکته بعدی «شرح بسیار موجز» شارح است که در ابتدای مقاله به آن اشاره کردم. ایشان طوری شرح می‌آورند که خواننده خسته نمی‌شود، از سوی دیگر اطلاعات کاذب و درازگویی در تفسیر ایشان راه نیافته است. برای مثال در تفسیر آیه ۶۳ سوره انعام چنین آورده‌اند: این آیه انسان را متوجه فطرتش کرده است و می‌گوید: وقتی که آدمی به تنگنای مصائب دچار می‌آید، بی‌اختیار خداخدا می‌کند: چون می‌داند فقط اوست که می‌تواند آدمی را نجات بخشد و لاغیر. یکی از عارفان می‌گوید: در جایی که حتی هزاران خویشاوند به کار آدمی نیایند، یاد خدا نجات‌بخش است. (ص ۲۷۰).

موسیقای کلام قرآن به اعتقاد من در این ترجمه بسیار پررنگ است. می‌دانیم که موسیقای قرآن یکی از جنبه‌های معجزه‌های کلامی است و نشانگر اعجاز بیانی و دلالت بر الهام‌بخشی دارد و مظهر فعل و انفعالات نفسانی و تاثیرگذار است در معنا. موسیقای کلامی موجد تاثیرات گوناگونی در معنا و تکثیر و زیادت، آشکاری، آرامش، روشنگری، خوف، رجا، اضطراب و... می‌شود. موسیقای کلام حتی می‌تواند صداهای خارجی در ذهن ایجاد کند، چنان که در شعر مدرن این هم بخشی مهم است. موسیقای کلام می‌تواند صدای حوادث و رویدادها را بیافریند (نک. سوره شمس) و ندای عشق را در دل انسان طنین اندازد، می‌تواند سرازیر شدن کوه به دره را به گوش انسان برساند و... حتی آهنگ افلاک را... انجام مقاله را اختصاص می‌دهیم به بخشی از ترجمه آهنگین استاد زمانی:

نون. سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند که تو به [برکت] نعمت پروردگارت دیوانه نیستی و به‌راستی که تو را مزدی است ناگسستنی [و بی‌پایان] و به راستی که تو خلق‌وخویی برجسته‌داری، پس به‌زودی خواهی دید و خواهند دید که چه کسی دیوانه [و شوریده حال] است.

میشل فوکو و ماهیت سیاسی روشنفکران

نظریه خود عمل است

جواد لگزیان

میشل فوکو نظریه پردازی که مطالعات گوناگون‌اش درباره دیوانگی، زندان و بدن و همچنین آثار او درباره شرایط معرفت‌شناختی پیدایش علوم انسانی و تلاش‌اش برای پروراندن نظریه شکل‌بندی‌های گفتمانی از وی چهره‌ای آکادمیک ساخته است تاکنون به بحث‌هایی بی پایان و مناقشه‌برانگیز در دنیای نظریه دامن زده است.

بری اسمارت اما در جستار خویش در شناخت فوکو با نگاهی به کارکرد روشنفکر و نظریه در سپهر اندیشه او، اندیشه‌ورزی این اندیشمند فرانسوی را عمل نظری می‌خواند که از فوکو چهره‌ای عملگرا هم تصویر می‌کند.

به عقیده اسمارت؛ فوکو با نیاز به «فراخواندن داعیه‌های توجه به معرفت‌های محلی، ناپیوسته، غیرمجاز و نامشروع» علیه نظریه‌های جهانی و طرز تفکرهای کارکردگرا یا نظام‌پرداز، دلالت‌های مستقیمی برای ماهیت کار روشنفکری و نقش یا وظیفه روشنفکر در جوامع مدرن دارد.

هرچند نقش سنتی و انتسابی روشنفکر همواره این بوده است که حقیقت را برای کسانی که قادر به دیدن یا گفتن آن نیستند، عیان کند و وظیفه این روشنفکر «عام» این بوده است که عقل را بر پا دارد و «استاد حقیقت و عدالت» باشد، «حقیقت» عام و جهانی را بازنماید و «وجدان آگاه همه کس» باشد اما فوکو به باور اسمارت با تصور چنین نقش و وظیفه بی‌طرفانه و خیرخواهانه‌ای برای روشنفکر به مناقشه برمی‌خیزد.

حوادث ماه مه ۱۹۶۸ و حمایت از حقوق زندانیان و جنبش‌های اعتراضی در آن سال‌ها به روشنفکران نشان داد که مردم «معمولی» اوضاع و شرایط خویش را می‌شناسند و خودشان قادرند، بدون نیاز به روشنفکر نظریه‌پرداز عام، افکار و خواست‌های خویش را بیان کنند، یعنی توده‌ها دیگر نیازی به آگاهی سخنگو یا نماینده ندارند، آنان اوضاع و شرایط خودشان را می‌شناسند اما گویا این صورت‌های محلی معرفت که مردم آن را باور و بیان می‌کنند از سوی نظام قدرتی که روشنفکران کارگزاران اصلی آن هستند، مسدود و ممنوع و بی‌اعتبار می‌شود. بنابراین، از نظر فوکو، نقش روشنفکر ربطی به بیان «حقیقت جمعی» که هیچ ضرورتی هم برای آن موجود نیست، و آثار زیانبار سلطه نیز بر آن مترتب است، ندارد بلکه نقش روشنفکر مبارزه با شکل‌هایی از قدرت است که فعالیت روشنفکری در چارچوب همان‌ها قرار دارد.

بری اسمارت اما در جستار خویش در شناخت فوکو با نگاهی به کارکرد روشنفکر و نظریه در سپهر اندیشه او، اندیشه‌ورزی این اندیشمند فرانسوی را عمل نظری می‌خواند که از فوکو چهره‌ای عملگرا هم تصویر می‌کند

فوکو بعدها استدلال می‌کند که مفهوم روشنفکر عام، که حامل اخلاق و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی عام و جهانشمول است، جای خود را به سوژه روشنفکری سیاسی‌تر و کاملا متفاوتی داده است که همان روشنفکر خاص است، روشنفکری که در تراز «عام» «عدالت و حقیقت عام و مطلق» عمل نمی‌کند، بلکه در بخش‌های خاص و در جاهای مشخصی که شرایط زندگی یا کار خود آنان برای‌شان رقم زده است (خانه و کاشانه، بیمارستان، تیمارستان، آزمایشگاه، دانشگاه و روابط خانوادگی) دست به عمل می‌زند.

ظهور روشنفکر خاص به «بسط و گسترش ساختارهای علمی ـ فنی در قلمرو اقتصادی و استراتژیک» و به رشد و اشاعه صور عقلانیت علمی و رشته‌ای از مشاغل، اداره‌ها و سوبژه‌ها مربوط می‌شود که حامل صور معرفت و فنون انباشته از مشروعیت علمی هستند (مثل معلم‌ها، قضات و مددکاران اجتماعی).

روشنفکر خاص در اندیشه فوکو، برخلاف روشنفکر عام، «مرد سخن» یا «نویسنده‌ای بزرگ» نیست بلکه دانشمند یا متخصصی است که رابطه مستقیم و محلی با معرفت علمی دارد و به‌دلیل درگیری مستقیم در تضادها و ستیزهای هر روزه، که بنیادی‌ترین و ژرف‌ترین‌شان در جامعه مدرن به حقیقت مربوط می‌شود، ماهیت سیاسی پیدا می‌کند.

استدلال فوکو این است که هر جامعه‌ای «نظام حقیقت» و «خط‌مشی کلی حقیقت» مختص به خود را دارد که در حول آن مبارزه‌ای بر سر شأن حقیقت و نقشی که این حقیقت در نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند، درمی‌گیرد و در همین‌جا و همین سطحی که محور ساختار و عملکرد جامعه است، مبارزه‌های روشنفکران خاص معنا و اهمیت پیدا می‌کند.

میشل فوکو
بری اسمارت
ترجمه: لیلا جوافشانی
حسن چاوشیان
انتشارات: آمه

به عقیده فوکو؛ بی‌اعتبار ساختن و منع کردن صور محلی معرفت از طریق کاربست ممیزی به دست نیامده، بلکه اصولاً از طریق «دستگاه قواعدی» حاصل آمده است که «بر اساس آن درست و غلط، حق و باطل از هم جدا می‌شوند و امتیازهای قدرت به حقیقت تعلق می‌گیرد» و به دیگر سخن، از طریق وجود رژیم سیاسی ـ اقتصادی تولید حقیقت است که با بی‌اعتبار ساختن و منع کردن معرفت‌های محلی مقدور می‌شود.

تحلیل‌های تبارشناختی فوکو از علوم انسانی و آثار ابژه‌ساز و سوبژه‌ساز آنها در جستار اسمارت متوجه همین تحلیل ویژگی‌های خاص رژیم حقیقت مختص به جامعه مدرن است، خصوصا کشیدن تمایزهایی میان «حقیقی» و «کاذب» که سرشت شیوه‌های گوناگون حکومت و چیرگی بر دیگران و خودمان است.

از این دیدگاه، مساله یا وظیفه اصلی روشنفکر مدرن این نیست که خلوص کرد و کارهای علمی را با نقد مضامین ایدئولوژیکی حفظ کند، بلکه وظیفه روشنفکر این است که امکان «جدا ساختن قدرت حقیقت از صور هژمونی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی» را مورد ملاحظه قرار دهد، یعنی هژمونی‌هایی که قدرت حقیقت در حال حاضر در متن آنها عمل می‌کند و چشم‌اندازهای برساختن سیاست نوین حقیقت را بررسی کند.

فوکو، به همین دلیل است که مساله نقش سیاسی روشنفکر را در اولویت خود قرار می‌دهد و در سلوک عملی خویش نیز آن را لحاظ می‌کند: یکی از نشانه‌های گرایش فوکو به سیاست، در انتقاد از سیاست مارکسیستی و واقعیت‌های زندگی در «جوامع بالفعل سوسیالیستی» و در حمایت فوکو از مشارکت در شکل‌های خاص فعالیت سیاسی رادیکال مشهود است، به‌ویژه «واکنش‌های محلی» مثل تشکیل گروه اطلاعات مربوط به زندان (GIP) که در ۱۹۷۱ به دست گروهی از روشنفکران تأسیس شد «تا شرایطی ایجاد کند که به زندانیان اجازه دهد خودشان سخن بگویند».

به گفته فوکو؛ نقش یا تعهد سیاسی شایسته روشنفکر مدرن دیگر این نیست که در جایی «جلوتر و در حاشیه» جای بگیرد تا حقیقت منکوب و مسکوت جماعت را آشکار کند؛ بلکه باید با شکل‌هایی فعالیت کند که او را به ابژه و ابزار خویش در حوزه «معرفت»، «حقیقت»، «آگاهی» و «گفتمان» تبدیل می‌کنند.

از این جهت، نظریه به‌معنای بیان، ترجمه یا کمک به کاربست عمل نیست: نظریه خود عمل است.

خبر

انتشار آثار ایرج افشار

■ یادداشت‌ها و آثار به‌جامانده از ایرج افشار گردآوری و منتشر خواهد شد. به گفته سیدکاظم موسوی بجنوردی، رییس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ایرج افشار در طول ۶۶ سال عمر کاری خود بیش از ۳۵۰۰ اثر به چاپ رسانده، کتابخانه افشار دارای بیش از ۳۰ هزار کتاب و سند و مقاله است که به مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی سپرده شده و قرار است افراد محقق تعیین شوند تا یادداشت‌های ایشان را جمع‌آوری و دسته‌بندی کنند تا آثار به‌جامانده از ایشان به چاپ برسد.

رییس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی با اشاره به حجم بالای فعالیت‌هایی که افشار در زمینه ایران‌شناسی انجام داده، به ایسنا گفت که او در شش دهه کاری خود توانست بیش از ۳۵۰۰ عنوان کتاب و مقاله و موارد دیگر منتشر کند و این مقدار آثار از لحاظ کیفی نیز بسیار مهم هستند.

ایرج افشار عضو شورای‌عالی علمی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، مشاور عالی این مرکز و عضو هیات مشاوران عالی دانشنامه فرهنگ عامه ایران نقش برجسته‌ای در حوزه ایران‌شناسی داشت.

ایرج افشار کارهای نیمه‌تمام بسیاری دارد که کسی نمی‌تواند آنها را به پایان برساند؛ مگر این که گروهی مسوول این کار شوند.

همایون‌پور نیز با اشاره به کارهای در دست انجام ایرج افشار، گفت: افشار کارهای بی‌شماری را در حال تصحیح و تحقیق داشت که همه ارزشمندند و نمی‌دانم حالا که فرد دیگری در تراز او نیست، چه کسی می‌تواند این کارهای نیمه‌تمام او را تمام کند. من فکر می‌کنم یک گروه باید مسوول تمام کردن این کارها شوند.

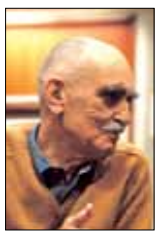

او همچنین درباره تألیفات وی گفت: مرحوم افشار حدود ۳۰۰ کار چاپی دارد و بیش از دوهزار مقاله تحقیقی نوشته که از سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ شروع به نگارش آنها کرده است که چیزی بیش از ۵۰ سال را دربرمی‌گیرد.

ایرج افشار در زمینه‌های گوناگونی چون تاریخ و ادبیات تألیفات دارد و نقش او در چند دهه پیش بارز است. کارهایی که او انجام داده، کارهایی است که مؤسسات باید آنها را انجام می‌دادند؛ مانند «فهرست مقالات فارسی». این گونه کارها کار یک شخص نیست؛ اما ایرج افشار این نوع کارها را به جای یک مؤسسه انجام داده است. ۳۰۰ کتاب نوشته‌شده توسط افشار نشان می‌دهد که او چه وقت و علاقه‌ای را بر سر نگارش گذاشته است.

همایون‌پور همچنین گفت: افشار علاقه بارزی به تاریخ و فرهنگ ایران داشت و در تاریخ مطبوعات ایران، خصوصا مطبوعات بعد از مشروطه، مطالعه فراوان داشت.

ما در انتشارات علمی، فرهنگی در اختیار ایشان بودیم و کتاب‌های بسیاری از ایشان در آن‌جا منتشر شد. کتاب‌های تاریخی و نامه‌های بزرگ علوی، ثقه‌الاسلام تبریزی، برگ‌های جنگل، نامه‌های لندن، برلین، تبریز و ارومیه. دو کتاب نیز اخیرا با او کار کردیم که یکی شامل پرونده سیاسی ـ اجتماعی اللهیار صالح بود.

منیرالدین بیروتی و «مثله»

■ منیرالدین بیروتی که اکنون داستان «خشاب خالی» را در انتظار انتشار دارد، رمان تازه‌اش با عنوان «مثله» را می‌نویسد. بیروتی با انتقاد از طولانی بودن زمان دریافت مجوز برای کتاب‌ها به ایسنا می‌گوید: اکنون در حال نگارش رمانی با عنوان «مثله» هستم. چون در اوایل نگارش آن هستم، نمی‌توانم توضیحات بیشتری بدهم.

رمان «شیب تاریک راه» را از آن‌جا که می‌دانستم مجوز نشر نمی‌گیرد، برای دریافت مجوز ارائه نکرده‌ام. اما مجموعه داستان «خشاب خالی» را سه ماه است که به نشر نیلوفر فرستاده‌ام و هنوز خبری از آن نشده است. منیرالدین بیروتی معتقد است که ادبیات امر محال است و بلافاصله می‌فهمی که هیچ‌چیز کامل نیست. به محض اینکه کامل شد به چاپ می‌سپاری. بعد که فاصله می‌گیری؛ می‌بینی نه! خیلی نقص دارد. بعد دوباره تلاش می‌کنی تا به آن ایده برسی! باز هم می‌دانی که نمی‌رسی اما باز هم تلاش می‌کنی! برای همین دچار نوعی سرنوشت پرومته‌وار می‌شویم: «شده‌ام مثل بریده‌های توی راه مانده و به خیالم این همه راه را بیهوده آمده‌ام.

حالا بیهوده گشته‌ام و عجب عبث کاری بوده این گشت و واگشت‌های من پی این همه تندیس و آن همه هیچ، که انگار (پاره‌ای وقت‌ها به خودم می‌گویم) که ساعت آمدن مان در این پس افتاده جا نه یک تندیس و نه یک همزاد که تک‌تک این عشیره تندیس تراش داده‌اند برای ما و تندیسی شده‌اند درون ما و همه انگار طلسمی بی‌باطل‌السحر و من ساده پرت از آن جهنم یخ و برف همه را کشیده‌ام به کول و گرده‌هایم توی این برهوت، بر برهوت...» (رمان چهار درد) مجموعه داستان «تک خشت» و رمان «چهاردرد» از آثار این نویسنده است. او اخیرا رمان «سلام مترسک» را از سوی نشر نیلوفر منتشر کرده بود.